

بگو افغان، مگو افغان ستانی

استعمال لفظ «افغانستانی» از لودسپیکر تلویزیون آریانا

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی

در تلویزیون آریانای کابل مربوط بناغلی احسان الله "بیات" برنامه ای بنام «نوبت شما» به روز های جمعه بساعت ۶.۳۰ شام وقت کابل پخش میشود که در هر هفته یک تن از افغانان که به سلیقه گرداننده آن انتخاب میگردد دعوت میشود و گرداننده این پروگرام بناغلی جامی در ستودیوی تلویزیون آریانا از این اشخاص پذیرائی نموده طی سوال و جواب ها، ایشان را به جامعه افغانی معرفی می نماید. الحق که پروگرام جالب و آموزنده است اما این پروگرام اضافه تر دلچسپ خواهد شد اگر در انتخاب شخصیت های قابل معرفی دقت و سنجش های لازم صورت بگیرد.

میرهن است که آقای جامی با ثبت و به نمایش کشیدن بیوگرافی تصویری اشخاص، حقایق مهم و انتباهات با ارزشی را به بینندگان منتقل می سازد که در این شیوه قابلیت های مسلکی و مهارت اوشان به نحو شگفت انگیزی متبازر است، این امر بجای خودش اما در هفته ای که گذشت یعنی بروز جمعه ۲۲ جولایی بناغلی احمد الله "علیزی" والی کابل مهمان این برنامه بود. در ضمن گفت و گو ها بناغلی جامی از والی کابل پرسید: «والی صاحب! چقدر افتخار می کنید که زاده این کشور میباشید و "افغانستانی" هستید؟»

برای من تعجب دست داد که آقای جامی لفظ افغانستانی را به استناد کدام سند و وثیقه قانونی بکار برده است زیرا نظر به حکم پراگراف چهارم ماده چهارم قانون اساسی افغانستان «بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود» به این ترتیب تمام اتباع افغانستان اعم از افراد عادی و مأمورین دولت صرف نظر از موقعیت قومی، دینی، منطوقی، لسانی، نژادی و غیره فقط و فقط بنام افغان شناخته و مسمی میگردند.

حال استفاده اصطلاح نامأنوس (افغانستانی) بجای و به عوض کلمه مأنوس، مقبول و پذیرفته شده «افغان» از جانب مردم افغانستان، از زبان بناغلی جامی چرا صورت گرفته است؟ پس در صورتیکه بر اساس محتوای قانون اساسی، اتباع افغانستان تنها به یک نام یعنی (افغان) مسمی گردیده باشند استعمال لفظ افغانستانی برای ایشان نقض صریح احکام قانون اساسی است. باید متذکر شد که متأسفانه این زیر پا کردن واضح قاعده مندرج در قانون اساسی صرف در محوطه نشر یک پروگرام تلویزیونی محدود نمانده بلکه تا حوزه مبهم گردیدن و در تردید قرار دادن اساس و نهاد هویت وطنی و کشوری هر (افغان) توسعه می یابد، اگر منشاء چنین خطبی سهو شخصی گرداننده یک پروگرام بوده باشد لازم بود و لازم است تا چنین سهوی با یک تذکر برجسته تلویزیونی تصحیح و معذرت لازم از بینندگان و مردم افغانستان خواسته می شد ولی اگر منشاء این خطب از دائره سهو شخصی بالاتر بوده باشد برای جبران این سهو و اعاده کفاره آن تنها پیشکش نمودن تقاضای عفو اکتفا خواهد کرد، زیرا قانون اساسی ولو حایز کوتاهی های هم اگر باشد به عنوان وثیقه ملی مردم افغانستان نباید به این سادگی پامال گردیده و نقض شود.

توقع چنین عملی بالخاصه از رسانه ای مانند تلویزیون آریانا که در زمینه تأمین حاکمیت قانون سابقه نشرات زیادی دارد بی نهایت مأیوس کننده و تعجب آور است.

در صورتیکه استعمال چنین الفاظی نسبت به اتباع افغانستان به یک امر معمول مبدل گردد نمیتوان حفاظت از ارزش ها و هویت فرهنگی مردم افغانستان را نه از وزیر اطلاعات و فرهنگ و نه از مقامات رسمی دیگر فرهنگی انتظار بُرد. ولی جریان موضوع در همین جا پایان نمی پذیرد. وزیر اطلاعات و فرهنگ و سایر مقامات ذیربط احتمالاً در برابر نسل موجود و یقیناً در برابر نسل آینده پاسخگو و مسؤول خواهند بود، مردم افغانستان در طول تاریخ اشتباه پامال شدن داشته های ملی و ثقافتی شان را به هیچ کسی نبخشیده است.

برای شناخت فساد این کلمه فتنه انگیز باید کمی به عقب برگردیم و تاریخچه شرم آور و شیطانی آنرا در بیرون سرحدات افغانستان جستجو کنیم.

در آوان سلطنت رضا شاه در ایران، عناصر فتنه جو و بدخواه افغانستان، به این فکر افتادند که چگونه میتوان هویت ملی مردم افغانستان را که هر روز بسوی ملت شدن پیش میرود تخریب کنند، و باشندگان آنرا بنام های قوم و مذهب و زبان بجان هم بیاندازند و از هم پاشان سازند. ولی از آنجا که افغانستان توسط رهبران آگاه و مدبر، صاحب غرور ملی و وطن پرست (اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و سردار محمد داوود) رهبری می شد با وجود تپ و تلاش زیاد و

سرازم کردن انواع کتاب ها و مجله های ایرانی نتوانستند به این آرزوی ناپاک مؤفق گردند. اما پس از کودتای کمونیستی و خانه برانداز ثور ۱۳۵۷، شوروی ها هم به این فکر افتادند که مردم افغانستان را از هم دور و متفرق سازند تا بر آنها بهتر و آسانتر مسلط گردند، فلذا بر اختلافات مذهبی و زبانی، اختلاف ملیت را هم افزودند و در تاریخ چند صد ساله افغانستان برای بار اول وزارتی بنام «وزارت ملیت ها» در حکومت کمونیستی افغانستان قد برافراشت. این کار خاطرات دردناک تشکیل وزارت ملیت ها را در آغاز مؤفقیت کودتای اکتوبر لینن بیاد می داد که در رأس آن ژوزف ستالین قرار داده شده بود و ملت عظیم روسیه را که از اقوام و تبار های مختلف تشکیل می شد به شمول مردمان کشور های آسیای میانه بنام ملیت ها از هم پاشیدند و از آن ماهی مراد را بدست آوردند.

در این وقت کشور ایران با انقلاب اسلامی اش در دامن آخند های متحجر و توسعه طلب سقوط نموده بود و پلان دست درازی های گوناگون را بر افغانستان از نو آغاز کرد و برای تخریب هویت ملی افغانها نویسنده و ژورنالیستی را بنام «چنگیز پهلوان» با ملیون ها دالر مؤظف برای تعمیق این دنائت ساخت. او در آغاز کار با مصرف پول های رژیم آخوندی، اقوام باهم برادر افغانستان را به کمک عناصر فروخته شده گروه های جمعیت و حزب وحدت، تحریک نمود تا از هویت قانونی و پذیرفته شده خود بحیث "افغان" منکر شوند و منبهد خود را «افغانستانی» بخوانند و برای قبولی این شیطنت و دنائت به هر توضیح دروغین و دشمنانه دست یازید. چنگیز پهلوان به این هم اکتفا نکرد و مذبحخانه تلاش نمود تا نام پر افتخار «افغانستان» را هم زیر سوال ببرد. پلان ها و پروژه های تطبیق فیدرالیزم را در افغانستان پیشنهاد و به مغز شویی گماشتگانش آغاز نمود. سی و چند سال است که این فساد و شیطنت دوام دارد و کیوتر سفید صلح را در آسمان این وطن به گلوله بسته اند. بدینگونه تمام ناآرامی ها، بدبختی ها و تلاطمات کشور عزیز ما در خارج و در ماورای سرحدات ما میباشد و اگر از هویت خود، از زبان خود، از فرهنگ خود و از حریم کشور خود دفاع نکنیم محکوم به فنا خواهیم بود.

از جناب سید مخدوم رهین که باز طالع به سرشان نشسته و در رأس مهمترین نهاد فرهنگی و هویتی کشور نصب گردیده است، تقاضا میکنم که بیدار شوند و با درک مسؤولیت تاریخی شان مانع هرگونه تجاوز فرهنگی در رأس آن مانع استعمال نام افغانستانی گردند و استعمال آنرا جرم بدانند.

بلی به گفته یکی از میهن پرستان " ... اگر قتل نفس جرم باشد، ترور هویت ملی که يك ملت را از هستی تاریخی اش ساقط میسازد، باید جنایت حساب شود. و کلمه "افغان" بکرات به مثابه اصطلاح ممثل باشندگان "افغانستان" در قوانین داخلی و اسناد بین المللی ذکر شده است... و شاهرگ قوانین (افغانستان) و عنصر شکل دهنده بافت ملی است. بناء استعمال کلمه دیگری بجای آن باید مشمول اشد مجازات باشد."

گله زیاد من از جناب علی زی والی کابل و مأمور عالی مقام دولت جمهوری افغانستان است که چگونه مانع اظهارات غیر ملی و غیر افغانی آقای جامی گراننده برنامه "نوبت شما" نشد. جای آن بود که آنآ و فوراً با احتجاج در برابر این بی احترامی به قانون اساسی افغانستان و هویت ملی مردم ما، جناب والی کابل پرسنده را متوجه خطا اش نموده، سندیوی تلویزیون آریانا را ترک و این برنامه باید توقف میکرد و از وزیر فرهنگ تقاضای آغاز تحقیق در این باره می شد که بگمان اغلب تا امروز کدام اقدامی در باره نشده است.

ده سال قبل اینجانب ضمن مضامین متعدد در ضمیمه، مقاله ای را زیر عنوان « استعمال نام افغانستانی جرم است» نوشته و به تعدادی از رسانه های داخل و خارج افغانستان به نشر رساندم که به استقبال از آن، دانشمندان بیشماری در مورد نوشتند و همه این نوشته ها توسط اینجانب در کتابی زیر عنوان « افغانستان گلستان اقوام» چاپ رسیده است. لینک آتی جهت آگاهی تمام افغانهای که هویت ملی و فرهنگ اصیل افغانی را ارج میگذارند، درج میگردد.

http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_afghan.pdf

در اخیر یک پارچه شعر ناب و وطنپرستانه جناب نسیم اسیر، شاعر فرزانه و با احساس وطن را برای آنانیکه عمدا و قصدا با نام پر افتخار افغانستان عناد میورزند، تقدیم میکنم :

فرانکفورت – آلمان

محمد نسیم اسیر

بگو افغان مگو افغان ستانی

بنام همت مام وطن را به دامن پروریده تو و من را

د پانو شمیره: له ۲ تر 3

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

گرفته بهره از آن شیرۀ جان
مرا در تربیت چیزی دگر کرد
همان "افغان ستان" نامدارم
از آن سر چشمه ها سیرابی ماست
تنم روشن ز نور آفتابش
ترا بر زروه شهرت بر آورد
نکرده هیچ کاری در قبالتش
به "افغانیت" خود عار داریم
ز اصل خود جدا، افسوس افسوس
نماید افتخار از نام "افغان"
همان "افغانیت" تاج سر ماست
ز "افغان" پایه های وحدت ما
بنای وحدت از بنیاد ریزیم
از آن گفتن به جز باد هوا نیست
ز یک آب و هوا هستند و یک خون
اساس بی سر و سامانی خود
به این کم فرصتیا روز و شب کوش
به عجز و انکسار از تو بجوید

نه تنها تو و من ، بلکه هزاران
ترا بر طارم افلاک بر کرد
"کهن بوم و بر" پر افتخارم
از آن آب و هوا شادابی ماست
وجودم بهره مند از خاک و آبش
مرا چون طفل نوآموز، پرورد
من و تو هر دو مرهون کمالتش
کنون از هرچه هست انکار داریم
ازین فکر و هوا، افسوس افسوس
جوان صاحب ایمان و مسلمان
چو ازین آبشار آبشخور ماست
به این نام است شان و شوکت ما
به نام قوم اگر باهم ستیزیم
چو اقوام وطن از هم جدا نیست
هزاره، تاجک و اوزبیک و پشتون
مباش اندر پی ویرانی خود
به استحکام این راه ادب کوش
"اسیر" آرزومند تو گوید

که گر پرسد کسی از تو نشانی
بگو افغان، مگو افغان ستانی